

## استاد کریستن سن



روز دوازدهم آذرماه ۱۳۲۴ چهار بعد از ظهر در تالار فرهنگستان مجلس یاد بود فقید سعید استاد کریستن سن با حضور دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی تشکیل یافت .  
پس از افتتاح جلسه نخست آقای سعید نفیسی و از آن پس آقای دکتر ذبیح الله صفا سخنرانی برداختند .

### سخنرانی آقای سعید نفیسی

#### در رثاء مرحوم کریستن سن

از خانها و آقایانی که دعوت فرهنگستان را پذیرفته و درین مجلس ما حضور دارند چه از جانب همکاران خود آقایان اعضای فرهنگستان و چه از جانب خود تشکر میکنم . جلسه امروز مخصوص بذکر مناقب و فضایل مرحوم آرتور کریستن سن

خاورشناس معروف و دانشمند دانمارکیست که یکی از نزدیکترین و باوفاخرین دوستان ایران بود و بهمین جهت فرهنگستان ایران در اوایل دوره تشکیل خود او را عضویت وابسته خود انتخاب کرد و نخستین کسی که عضو وابسته فرهنگستان ما شد او بود. مرحوم کریستن سن یکی از دوستان نزدیک من بود و درین پانزده سال آخر بجز چهار سال جنگ که راه ایران بدانمارک بسته بود از نزدیک با او مربوط بودم و در دوسفر آخری که بایران آمد بیش از همه با او معاشرت داشتم و بهمین جهت از نیات و افکار او نسبت بایران و ادبیات و تاریخ ایران و زبان فارسی اطلاع کامل دارم و بهمین سبب هنگامیکه عضویت فرهنگستان پیشنهاد شد یکی از معرفین او من بودم و نیز بهمین جهتست که آقایان همکاران من در فرهنگستان مایل شده اند که درین جلسه من درباره او بیانی بکنم. من هم با کمال تأسف این وظیفه را انجام میدهم و هم با کمال میل، تأسف من از اینست که یکی از پیر کارترین و دانشمندترین و دلسوزترین و مهربانترین دوستانی که ایران مادر کشورهای بیگانه داشت از دست ما رفت و خوشوقتی من از اینست که میتوانم در مرکز ایرانی که کریستن سن تا این اندازه آنرا دوست میداشت و در فرهنگستان ایرانی که از عضویت آن این همه مغرور شده و بخود می‌بالید حق این دوست بزرگ ایران را ادا کنم و روح بزرگوار او بدانند که ما درین محوطه که مرکز علم و ادب ایرانشهر گزاورا فراموش نخواهیم کرد و این تمثالیست که درین محل جلسات فرهنگستان ما آویخته شده است همیشه او را بیاد آیندگان کشور ما هم خواهد آورد.

از روزی که خاورشناسی در اروپا معمول شده یعنی تقریباً از صد و پنجاه سال پیش عده بسیار خاورشناسان در کشورهای مختلف اروپا پیدا شده اند و امروز هنوز برخی از آنها خوش بختانه زنده اند و در میان آنها کسانی هستند که خدمت‌های برجسته بایران و زبان و تاریخ ایران کرده اند اما باید این نکته را در نظر داشت که برخی از آنها از مردم کشورهای بی‌پایه بوده اند که روابط نزدیکتر و منافع بیشتر در ایران داشته اند و ناچار آن مقتضیات ایشان را و امید داشته و تشویق می‌کرده است که در باره ایران مطالعات دقیقی بکنند و درین صورت اگر بما خدمت کرده اند در ضمن

بکشور خود هم خدمتی کرده‌اند و شاید بیشتر برای خدمت بکشور خود بوده است که منتهی هم بر سر ما دارند .

اما آرتور کریستن سن از مردم کشوری بود که هیچ نفعی در ایران نداشت و اگر دانشمند بزرگی مانند او تا این اندازه درباره ایران کار کرده باشد پیداست که تنها عشق بعلم او را باین کار وادار کرده است و البته این نکته را باید گفت که عشق بایران بیشتر محرك او بوده زیرا که اگر تنها عشق بعلم بود برشته دیگر از تاریخ و ادبیات می پرداخت و اینکه تاریخ و ادبیات ایران را انتخاب کرده خود بهترین دلیل برین مطلبست .

مرحوم کریستن سن گذشته از زبانهای شرقی و مخصوصاً زبانهای قدیم و جدید ایران و گذشته از زبان مادری خود یعنی دانمارکی سه زبان اروپایی یعنی فرانسه و انگلیسی و آلمانی را در کمال خوبی میدانست و در هر سه زبان تألیفات بسیار معروفی در باره ایران کرده و بهمین جهت در همه کشورهای اروپا شهرت کامل داشت و البته چنین کسی هر چه درباره ایران می گفت و می نوشت پیداست تا چه اندازه بشفع ایران بود و چگونه در جهان منعکس میشد .

اگر بخواهم احساسات بی‌ریب و ربای مرحوم کریستن سن را در باره ایران آن چنان که میدانم شرح بدهم بحث امروز من بسیار دراز خواهد شد و ناچار ازین بحث میگذرم اما خوش بختانه در میان حاضران این مجلس چندتن کسانی هستند که در سفرهای او در ایران وی را دیده‌اند و جمع کثیری هم در بیرون این مجلس با او رابطه داشته‌اند و میدانند باچه شور و شعفی بایران می‌آمد و هر وقت می‌آمد از ما دل نمی‌کند و باچه تردید و دشواری بکشور خود بر میگشت .

آرتور کریستن سن در قسمت‌های مختلف ایران شناسی متخصص بود و بهمین جهت کارهای او بسیار تنوع دارد يك قسمت از آثار او ترجمه‌ایست که از شاهکارهای ادبیات ایران بزبان دانمارکی کرده یا مطالعاتیست که در باره چند تن از شاعران ایرانی کرده است و ازین حیث ترجمه شاهنامه بزبان دانمارکی و مطالعات در قصه‌های ایرانی و رباعیات عمر خیام معروف ترین آثار اوست. جنبه دیگر او مطالعات زبان شناسی او و کارهای پیداست که در لهجه‌های ایرانی کرده و تاجایی که

من خبر دارم در ۱۵ لهجه ایرانی مانند سنکسری و لاسگردی و سمنانی و اورامانی و کردی و سویی و سرخه ای و شهمیرزادی و سیوندی و یزدی و گیلکی و فریزندی و نطنزی و یارانی و زبان پاوه مطالعات کرده و آثاری انتشار داده که معروفست. جنبه سوم او مطالعات بسیار گرانبهاست که در داستانهای ملی ایران کرده و چون درین زمینه آقای دکتر ذبیح الله صفا دانشیار دانشکده ادبیات که رساله دکتری خود را در همین رشته نوشته مطالعات خاصی کرده و باین قسمت از آثار کریستن سن مأنوسست از و خواهرش کرده ام که درین باب بحث بکنند و پس از من این وظیفه دلنشین را ادا خواهد کرد. جنبه چهارم کار کریستن سن مطالعات او در تاریخ ساسانیان و طبع و نشر متون پهلویست که معتبرترین و قدیم ترین نسخهای برخی از آنها در کتابخانه دانشگاه کوپن هاگست. درین جنبه از فن او من خود بحث خواهم کرد زیرا که درین سالهای آخر بیشتر اوقات من صرف تهیه کتاب بسیار بزرگی در تاریخ ساسانیان میشود و بهمین جهت تقریباً هر روز با آثار او درین رشته سروکار دارم و می توانم فایده و عظمت آنها درک کنم.

مرحوم آرتور کریستن سن که استاد کرسی زبان شناسی ایرانی در دانشگاه کوپن هاگ پای تخت دانمارک بود در ۹ ژانویه ۱۸۷۵ ولادت یافت و در ۳۰ مارس ۱۹۴۵ در نتیجه بیماری که از عواقب جنگ درو ظاهر شده و نیروهای او را بکلی تحلیل برده بود در گذشت یعنی بحساب درست هفتاد سال و دو ماه و بیست روز درین جهان بوده است. تحصیلات عالی خود را در همین رشته زبان شناسی در کوپن هاگ شروع کرده و سپس در برخی از دانشگاههای آلمان نیز کار کرده و از آن جمله شاگرد آندر آس Andréas خاورشناس بسیار معروف آلمانی بود. در دانشگاه کوپن هاگ معروف ترین استاد او در ایران شناسی وستر گارد Westergaard محقق معروف بود که یکی از مشهورترین کسانیست که در زبان اوستا و دین زردشت و کتاب زند در جهان کار کرده اند. نخستین اثری را که کریستن سن انتشار داده بزبان دانمارکی درباره مزدک بوده است که در ۱۹۰۱ یعنی چهل و چهار سال پیش انتشار داده و ازین قرار وی در قدم اول بمطالعه در دوره ساسانیان آغاز کرده و چهل و چهار سال درین جهان

چیز نوشته و تحقیق و تألیف کرده و بی‌جهت نیست که درین حدت نزدیک شست کتاب بزبانهای مختلف انتشار داده است . آخرین کتابی که در دست داشته و متأسفانه پس از مرگ او انتشار خواهد یافت کتابیست برای تعلیم فارسی بزبان دانمارکی . تحقیقات و مطالعات کریستن سن در تمدن و ادبیات دوره ساسانی شامل چندین کتاب مستقل و یک عده کثیر مقالاتیست که در معروفترین مجلات خاورشناسی چاپ شده و برای اینکه خانمها و آقایان از نتایج برخی مطالعات او در تمدن دوره ساسانی مطلع شوند ببعضی از آنها اشاره میکنم . در یکی ازین مقالات کریستن سن با استادی کلملی ثابت کرده است که بزرگ مهر معروف که او را وزیر انوشیروان می‌دانند و در ضمن مقام حکیمانه‌ای برای او قائلند در دربار انوشیروان مقام رسمی نداشته یعنی وزیر او نبوده و همان کسیست که کلیله و دمنه را از هندوستان آورده و بزبان پهلوی ترجمه کرده و اسم او در مقدمه کلیله و دمنه برزویه است . کسانی که آن مقاله معروف را نخوانده باشند و اطلاعی از خط پهلوی نداشته باشند نمیدانند که چگونه ممکنست بزرگ مهر و برزویه باهم اشتباه شود و چون این مطلب بحث مفصلی میخواهد از آن میگذرم .

مقاله دیگر کریستن سن درباره اینست که ابرسام که وزیر اردشیر بابکان بوده و پلی در فیروز آباد فارس از ساختمانهای او هنوز باقیست و در آن پل کتیبه‌ای بنام اوست با آن کسی که یکی از آثار زبان پهلوی بنام اوست یکیست یعنی آنچه اینک بنام « نامه تنسر » معروفست و اصل آن بزبان پهلوی بوده و بهاءالدین محمد بن اسفندیار مؤلف تاریخ طبرستان آنرا بفارسی ترجمه کرده و اصل پهلوی آن از میان رفته . این هم باز یکی از رموز خط پهلویست که ابرسام و تنسر باهم اشتباه میشود . دیگر از مقالات کریستن سن که تحقیق بسیار شیرینیست درباره یکی از داستانهایست که وابسته بدوره ساسانیست و آن داستان ملکه تدمر و بزرگ موردست که شاید برخی از خانمها و آقایان بیاد داشته باشند . بنا برین داستان شاپور اول در موقع جنگ با پادشاه تدمر و محاصره پای تخت او بخیان آن شهر را تصرف کرده است باین معنی که دختر پادشاه تدمر که پیش پدر بسیار عزیز بوده از بالای برج

شهر شاپور را از دور دیده و دلدادۀ او شده و از نقبی که جز او کسی از آن خبر نداشته باردوی شاپور رفته و راه پنهانی ورود بشهر را باو اطلاع داده است و شاپور بهمان وسیله شهر را گرفته و پاداشی که باین دختر داده اینست که او را بزنی اختیار کرده است. بامداد آن روزی که این دختر بهم خوابگی شاپور رسیده بود هنگامی که از خواب برخاست شاپور دید که تن او مجروح شده و چون سبب را پرسید دختر جواب داد که بر گک گلی شب در بستر او مانده و او را مجروح کرده است. شاپور در خشم شد و گفت باید دری که باین ناز و نعمت ترا پرورده است بچه کردی که بامن بکنی و فرمان داد او را بدم اسبی سرکش بستند و بدین گونه بعقاب رساندند. همین داستان در میان چند ملت دیگر ملت ایران رواج دارد و روایتهای مختلف از آن بدستست و درین مقاله کریستن سن این روایات را بایک دیگر سنجیده است.

خانمها و آقایان میدانند که ازین گونه داستانها در میان ملل آریایی نژاد بسیارست و یکی از مطالعات ادبی و تاریخی دلگشی که درین اواخر در میان ما معمول شده سنجش این داستانها بایک دیگر و گرفتن نتایج تاریخی بسیار مهم و بسیار دلپذیرست، چنانکه من خود همین راه را پیش گرفته و تهیه مقاله ای دیده بودم که ناگهان این مقاله کریستن سن بدستم رسید و بسیار خوشوقت شدم زیرا مسلم شد راهی را که من گرفته بودم درست بود و برای من فرق نمی کرد که این نتیجه را من خود گرفته باشم یا دیگری.

درین زمینه من مشغول مطالعه در داستان دیگری هستم که آنرا هم برای نمونه با اطلاع خانمها و آقایان میرسانم و آن داستانیست که در بسیاری از ملل نژادهای مختلف هست و یکی از پهلوانان را بجهات و دلایلی از خانه پدری و از دامن مادر دور کرده اند و جانوری حقیقی یا افسانه ای او را شیر داده و دایگی کرده و بشمر رسانده است چنانکه در افسانههای ملل سامی نمرود را پلنگ شیر داده و بخت النصر را سگ ماده شیر داده است، رومیان قدیم معتقد بودند که مؤسس تمدن رومی رومولوس Romulus و برادرش رموس Remus را ماده گرگی شیر داده است و ختی ترکان این افسانه را در داستانهای ملی خود دارند و گویند قتلغ یکی از رؤسای قبایل

ترك هنگامی که از مادر زاده است بطفیل شغال ماده ای از مرگ نجات یافته .  
در داستانهای ملی ایران فریدون را گاو شیرداده و زال را سیمرغ پرورده و سپس  
این داستان درباره مردان تاریخی نیز رواج داشته است . هرودوت درباره کوروش  
بزرگ گوید که چون از مادر زاده شد خواستند وی را نابود کنند وزن چوپانی  
پنهانی او را بزرگ کرد و پرورش داد و تعجب درینست که بگفته هرودوت نام  
این زن در زبان مادها « اسپا کو » بمعنی ماده سگ بود و سپس چندین قرن بعد  
همین داستان را درباره ولادت شاپورا اول پادشاه معروف ساسانی آورده اند که میخواستند  
کودک نوزاد را از میان ببرند و باز زنی پنهانی او را پرورده و بزرگ کرده است .  
در هر صورت در داستانهای ملی اقوام مختلف باینگونه افسانهها که تا این اندازه  
بیکدیگر شبیهند بسیار بر میخوریم و این مثالها را برای این زدم که ذهن خانمها  
و آقایان روشن شود و باینگونه تحقیقات ادبی و تاریخی پی ببرند .

از اینگونه مقالات مهم کریستن سن که بگذریم کتابهای مستقلی که در باره  
دوره ساسانیان نوشته یکی کتاب بسیار مفیدی در باره دین زردشت در دوره ساسانی  
و دیگر کتابی در باره پادشاهی قباد و مزدکست که بفارسی هم ترجمه شده و دیگر  
کتابیست در باره تمدن ساسانیان که آنهم بفارسی ترجمه شده و آخرین تألیف او  
درین زمینه کتاب معروفیست بنام ایران در زمان ساسانیان که آنرا هم بفارسی  
ترجمه کرده اند .

نکته بسیار مهمی که در باره تاریخ ساسانیان هست اینست که برای اهل فن  
تاریخ ساسانیان نه تنها مهم ترین قسمت تاریخ ایرانست بلکه مطالعه در آن پشت کار  
ودقت و وسعت اطلاع فوق العاده میخواهد و چون چنانکه گفتم من خود چندسالست  
درین زمینه کار میکنم مشکلات این کار را بسیار خوب میدانم و برخی از آنها را  
برای شما شرح میدهم .

امروز تاریخ قدیم بی باستان شناسی هیچ معنی ندارد زیرا که اطلاع از  
تمدن مادی هر دوره ای و تحقیق در هنرهای مختلف آن دوره منتسب درجه اهمیت را  
دارد . نه تنها در کتیبههایی که از آن دوره مانده مطالبی هست که در کتابها نیست و با

اینکه اشتباه مورخین را کاملاً اصلاح میکند بلکه هرچه از زیر خاک بیرون میآید و معرف تمدن مادی آن دوره است کاملاً درجه پیشرفت و ترقی در آن دوره و زندگی شبانروزی مردم آن زمان را بر ما روشن میکند و بهمین جهت در عالم علم امروز مورخی که از باستان شناسی خبر نداشته باشد مانند پزشکی است که تشریح یا وظایف الاعضاء را نداند. در دوره هخامنشیان مراکز تمدن نسبتاً معدود بوده و در اغلب آنها حفاریات مهمی کرده اند و تقریباً هرچه در زیر خاک بوده است بیرون آمده و دیگر امید نمیرود که چیز دیگری بر تاریخ افزوده شود. اما در دوره ساسانیان مراکز تمدن ایرانی بسیار وسعت داشته و از سرحد چین تا کنار دریای روم ممتد بوده و درین نواحی هر سال اسنادی که برای تاریخ ساسانیان نهایت اهمیت را دارد از زیر خاک بیرون میآید چنانکه مهم ترین اسناد درباره دین مانی در سرحدات چین پیدا شد. درین صورت کسی که میخواهد در تاریخ این دوره مطالعه کند چقدر وسعت اطلاع در باستان شناسی لازم دارد و چه جزئیاتی را باید از نظر خود دور نکند ا درین زمینه اشکال بزرگی که درین داریم اینست که خط آرامی و خط پهلوی که در دوره ساسانی در سکه ها و کتیبه ها و کتابها بکار میبرده اند خطوط بسیار بدیست که اگر کمترین بی احتیاطی را در نوشتن آن بکنند مطلب بکلی زیر و رو و حتی معکوس میشود و ملاحظه میفرمایید که خواندن اسناد آن زمان و نتیجه گرفتن از آنها چه کار دشواریست. چنانکه در سکه های ساسانی که بخط پهلوی نوشته شده بقدری مشکلات هست که هنوز در کتابهای معمولی آغاز و انجام سلطنت چند تن پادشاهان آخر سلسله ساسانی معلوم نیست و حتی از روی سکهها ما پادشاهانی برمیخوریم که در تاریخ نامی از آنها نیست و یکی از مشکلات عمده اینست که پس از انقراض ساسانیان و غلبه عرب بر ایران تا تقریباً يك قرن یعنی صد سال پس از آن در ایران معمول بوده است که دوباره همان سکههای قدیم پادشاهان ساسانی را با همان سرسکههای سابق از نو میزده اند و اینکه اینهمه سکه ساسانی در ایران و خارج از ایران هنوز در دست مردم هست بهمین علت است و همین گاهی مورخین را با اشتباهات عجیب گرفتار کرده است.



دیگر از مشکلات کار ما در باره این دوره معایب خط و زبان پهلویست .  
زبان پهلوی یکی از زبانهای عجیب دنیاست باین معنی که در خط پهلوی یکمده  
زیاد کلمات مختلف زبان آرامی را که زبان کاملاً بیگانه‌ای بوده مینوشته و در موقع  
خواندن در ذهن خود ترجمه میکرده و لفظ ایرانی آنرا بزبان میآوردند و حتی  
افعال زبان آرامی را میگرفته و مانند افعال زبان پهلوی صرف میکرده‌اند و انگهی  
کتابهای پهلوی که ما اکنون در دست داریم تقریباً هیچکدام در دوره ساسانی نوشته  
نشده و در دوره اسلامی که هنوز زبان پهلوی در ایران معمول بوده تألیف کرده‌اند  
و تقریباً هیچ اثری که بدر تاریخ بخورد از زبان پهلوی که معمول دوره ساسانیان  
بوده بدست ما نرسیده است و البته پیداست مورخی که بخواهد از خط و زبان پهلوی  
بهره‌مند شود بچه دشواریهای جان فرسا بر میخورد .

دیگر از مشکلات عمده کار تنوع اسنادیست که برای تاریخ این دوره  
لازمست . در قدم اول یکمده کتابهای پیداست که مورخین ایران مانند طبری و ابن قتیبه  
و یعقوبی و مسعودی و ثعالبی و دیگران بزبان عربی نوشته و مطالبی را که در زمان  
آنها در باره دوره ساسانی هنوز رواج داشته است ضبط کرده‌اند و در ضمن در برخی  
از کتابهای فارسی هم ازینگونه مطالب هست و کسی که میخواهد حق تاریخ ساسانیان  
را ادا کند باید کاملاً دست باین کتابها داشته باشد و صرف نظر کردن از آنها ضرر  
فاحشی بکار میزند . از طرف دیگر در تمام دوره ساسانی ایران با امپراطوری روم  
و بیزانس یعنی رومیة الصغری همسایه بوده و در کتابهای مورخین این دوره که بزبانهای  
یونانی و لاتین نوشته شده مطالب بسیار مهمی است که نمیتوان از آنها چشم پوشید .  
برخی ازین کتابها بزبانهای اروپایی ترجمه نشده و همان متن یونانی و لاتین آنها را  
چاپ کرده‌اند و آنهایی هم که ترجمه شده مترجمین فقط زبان میدانسته‌اند و تاریخ  
نمیدانسته‌اند و بهمین جهت متوجه اسامی خاص نشده‌اند و انگهی برخی از ملل اروپا  
عادت ناپسندی دارند و آن اینست که اسامی خاص را مطابق معمول زبان خود در  
میآورند و بقلب زبان خود میریزند و نتیجه این میشود که اسم بکلی تغییر میکند و  
مورخ در شبهه میفتد و بهمین جهت بمتونی هم که بزبانهای اروپایی ترجمه شده

نمی‌تواند اعتماد کند و ناچار است که خود مستقیماً باصل رجوع کند و البته این کار هم احاطه درین دو زبان را لازم دارد. در میان مللی هم که در آن زمان تابع ایران بوده و نواحی مهم ایران ساسانی را تشکیل میداده‌اند دوزبان دیگر رواج داشته و باین دو زبان نیز اسناد مهمی دربارهٔ دورهٔ ساسانی هست که از آنها نمیتوان غافل ماند زیرا که تاریخ این دولت پیوستگی کامل با تاریخ ایران دارد و بسیار جزئیات مهم هست که تنها مورخین آنها ضبط کرده‌اند یکی از آنها زبان ارمنی است و آنهم ارمنی قدیم که ارمنیان خود بآن « گراپار » می‌گویند و اینک فقط در میان عدهٔ معدود از کشیشان ارمنی رواج دارد و مورخ دورهٔ ساسانی ناگزیر است باین کتابها هم رجوع کند، برخی ازین کتابها بزبانهای اروپایی ترجمه نشده و آن چند کتابی هم که ترجمه شده همان معایب ترجمه‌های متون لاتین و یونانی را دارد و باز اینجاست ناچار است که خود زبان بداند و خود بسرچشمه رجوع کند.

نصاری. ایران در آن زمان که اکثریت آنها نستوری بوده و در مغرب قلمرو ایران میزیسته‌اند همهٔ احتیاجهای خود را بزبان سریانی که سرچشمهٔ زبان آسوریها یا باصطلاح رایج تر کلدانیهای امروز ایرانست برمیآورده‌اند و بزبان سریانی يك عده کتابهای بسیار سودمند و مهم برای دورهٔ ساسانی هست یعنی کتابهاییدست که در احوال شهدای دین نصاری و پیدشوا بیان کلیسای شرق و بیشتر طریقهٔ نستوری بزبان سریانی نوشته‌اند و باصطلاح تاریخ آنها را Hagiographie یعنی شرح حال اولیا یا Martyrologe یعنی شرح حال شهدا می‌نامند و این گونه کتابها هم یا ترجمه نشده و یا اگر ترجمه شده طرف اعتماد نیست درین صورت مورخ دورهٔ ساسانی از دانستن این زبان و دست داشتن باین کتابها هم ناگزیر است.

این جزئیات فنی را مخصوصاً برای این گفتم که شأن تحقیقات مرحوم کریستن سن و وسعت اطلاع او و رنجهای جانکاهی که در راه تاریخ ایران کشیده است و این مطالب يك رشته از آنرا معرفی می‌کند معلوم شود و بدانید که این مرد بزرگ برای خدمت بایران و برای اینکه دوستی خود را نسبت ببا بحقیقت

برساند چه رنجها برده و چه جان فشانی عجیب کرده است و جای آن دارد که ما نام او را در رأس دوستان ایران ثبت کنیم .

از توجهی که خانمها و آقایان محترم نسبت بمطالب و بیانات من کردند تشکر میکنم و از آقای دکتر ذبیح الله صفا خواهشمندم در جنبه دیگر از فن کریستن سن ما را بهره مند کنند .

## خطابه آقای دکتر ذبیح الله صفا

### دانشیار دانشگاه

نخست از ذوات محترمیکه بیاد استاد بزرگ، آرتور کریستن سن، در این مجلس کرد آمده اند و مبلغ تأسف قاطبه دانشمندان ایران بر مرگ این مرد جلیل القدر هستند و بنخاطر خدمات عظیم وی قبول تصدیع میکنند سپاسگزاری میکنم .  
کسانیکه در تاریخ و ادب و فرهنگ ایران رنج برده و با اطلاع از مشکلات عظیم، بروشن کردن مبهمات آن همت گماشته اند، خوب میدانند که بر این کشور دیرپای کهن سال از آنروز که راهبران قوم « آری » خرد و بزرگ این قبیله را از آمویه دریا عبور میدادند تا امروز که ما بیاد یکی از دوستداران بزرگ ایران در این محفل اجتماع کرده ایم، چه حوادث عظیم گذشته و چه روزهای شادی و غم سپری شده است .

از آن ایام نخست ایران اکنون نه تنها اطلاع درستی در دست نیست، بلکه ورود در مرحله حدس و گمان راجع بآن هم دشوارست . اما قوم بزرگ « آری » از همان ایام سرگرم کار و عمل بود و برای خود تاریخی پر از افتخارات و بزرگیها و مردانگیها پدید میآورد .

از همان روزگاران نخست در مشرق ایران وقایع بزرگی روی میداد . مهاجمان جدید پیایی باین خاک روی میآوردند و میخواستند از این خوان گسترده آهورمزدا بهره بردارند . اما ایرانیان دلیر و کندآور، از همان ایام مردانه میکوشیدند که میراث

خود را دور از دستبرد اغیار باخلاف خویش بسپرند؛ زندگسی ایشان در جنگ و بستیز با این مهاجمان و فرستادگان اهریمن میگذشت و پهلوانان و سرافرازانی از میان ایشان عامدار دفاع از خان و مان و آب و خاک برادران آریائی خود بودند.

در همان حال نیز پایه های تمدن ایران نهاده میشد. نژاد فعال و آبادی دوست و هنرمند « هند و ایرانی » در این سرزمین که آثار لطف اورمزد و قهر اهریمن هر دو را در کنار یکدیگر دارد بایجاد آثار مدنیت همت گماشت و با تمام عوامل اهریمنی بجنگ برخاست.

بنا بر این تاریخ افتخارات نیاکن ما و مجاهدات ایشان برای ایجاد ملیت و مدنیت ایرانی و حفظ آن از همین تاریخ آغاز میشده و یاد این افتخارات و مجاهدات نیز از همان گاه باز در خاطر ایرانیان محفوظ بوده است.

حوادثی را که پس از این ایام از قبیل ظهور زردشت، تشکیل حکومت ماد، پدید آمدن شاهنشاهی هخامنشی در ایران روی داد، در حقیقت مکمل تاریخ ایران باید شمرد نه آغاز آن.

از این قسمت از تاریخ ایران، که بخطا سر آغاز تاریخ ایرانش می شماریم، از منابع آشوری و کلدانی و ایرانی و یونانی و ارمنی کم و بیش اطلاعاتی بدست می آید، اما آنکه بواقع در تاریخ ایران رنج میبرد نباید باین حد ناقص بسنده کند و گرنه راه را از نیمه آغاز کرده است.

ما که يك روز بیدروی از احادیث و روایات دینی و اساطیری و حماسی قدیم تاریخ خود را بنحو مبهمی از عهد گیومرث و یاهوشنگ پیشداد آغاز می کردیم پس از آشنائی با منابع یونانی و اروپائی یکباره و چون کود کائیکه اگر طرفه ای نویابند تحفه کهن را از دست می نهند، روایات کهن را دور انداختیم و آنها را سراسر افسانه پنداشتیم و بگفتار آن استاد بزرگ ننگریستیم که گفته است:

تو این را دروغ و فسانه مدان      بیگسان روشن زمانه مدان

این امر مدتی ادامه داشت تا برخی از مستشرقان بفکر تطبیق تمام این داستانهای کهن بر تاریخ مادی و هخامنشی افتادند و از این طریق اندیشه های ناروای

نازه ای بمیان آوردند که چند گاهی از جانب مائیز تأیید میشد .

اما حقیقت امر همواره در مرحله ابهام باقی نماند و عاقبت دانشمندان بزرگ پیدید آمدند که صرف نظر از تاریخ مدون و مرتب ایران روایاتی را که از اوستا تا شاهنامه و دیگر منظومهای حماسی دیده میشود مورد توجه قرار دادند و بر آن شدند که در این باب نیز بتحقیقاتی پردازند و اساس آنها حتی امارات صحت یا عدم صحت آنها را معین کنند . در اینجاست که نام استاد بزرگ آرتور کریستن سن یکباره بخاطر میآید و او چون قهرمانی بزرگ در این میدان پهناور بی پایان دیده میشود .

استاد آرتور کریستن سن که شرح احوال او را دانشمند محترم آقای سعید نفیسی بتفصیل فرموده اند ، در چند رشته از مسائل راجع بایران اطلاع کافی داشته است : داستانها و روایات ملی ایران - تحقیقات و تتبعات راجع بتاریخ و ادبیات اوستائی - ادبیات پهلوی - لهجه های جدید ایرانی - فرهنگ توده ایرانی - تاریخ و تمدن دوره ساسانی - ادبیات فارسی و عربی ؛ و در هر یک از این رشته ها تألیفات گرانبهایی که برخی از آنها مانند : شاهنشاهی ساسانی - ایران در عهد ساسانیان - رساله بزرگمهر حکیم - سلطنت قباد و کمونیسم مزدکی - مطالعاتی انتقادی در باب حکیم عمر خیام بفارسی ترجمه شده است ، بیاد کار گذاشته و مجموعه تألیفات او بشصت کتاب در زبانهای انگلیسی و فرانسوی و دانمارکی و آلمانی بالغ میشود .

استاد فقید در این تألیفات نهایت تعمق و دقت خود را آشکار ساخته و گاه در ابراز این صفت عالی علمی بدرجه ای رسیده است که خواننده را بحیرت میافکند . این استاد بر اثر اطلاع از ادوار مختلف تاریخی و ادبی ایران و نیز در نتیجه احاطه کامل بر متون اوستائی و پهلوی و عربی و فارسی و آکاهی از زبانهای معروف و مهم جدید اروپائی که تألیفات گرانبهایی در باب ایران بدانها صورت گرفته ، توانسته است بانهایت قدرت در هر رشته بتحقیق پردازد .

بعقیده حقیر مهمترین تألیفات استاد بزرگ را باید در تحقیقات راجع بداستانهای ملی ایران و تاریخ و تمدن ایران در عهد ساسانیان جست و جو کرد و در

همین دو رشته است که این مرد دانشمند آخرین اطلاعات علمی دقیق را در کتب معتبری مانند : شاهنشاهی ساسانیان (۱) - سلطنت قباد و کمونیسم مزدکی (۲) - یادداشتهائی در باب قدیمی ترین ادوار آئین زرتشتی (۳) - تحقیق در آئین زرتشتی ایران قدیم (۴) - داستان بزرگمهر حکیم (۵) - آبا آئین زروانی وجود داشت (۶) - کیانیان (۷) - ایران در عهد ساسانیان (۸) - حماسه شاهان در روایات ایران قدیم (۹) - نمونه های نخستین بشر و نخستین شاه در تاریخ داستانی ایرانیان (۱۰) - گرد آورده است. یکی از مهمترین خدمات استاد فقید گرد آوری و نشر متون پهلوی کهنی است که اصل آنها در کتابخانه دانشگاه کپنهاگ موجود است. در این مجموعه استاد بزرگ بعضی از کتب مهم دینی و تاریخی و ادبی پهلوی مانند : قسمتی از بوندهشن بزرگ - دادستان مینوگ خرد - قسمتهائی از دینکرد - بهمن یشت - روایت پهلوی زادسپرم - اردای ویرافنامک - ماتیگان یوشت فریان - دانستان دینیک و جز اینها را در شش مجلد با مقدمه ای که بر هر یک بانگلیسی افزوده است بچاپ رسانده و میتوان گفت تحقیقات استاد فقید در باب این کتب پس از تحقیقات وست دانشمند بزرگ انگلیسی که در فقه اللغة ایرانی بچاپ رسیده بیش از دیگر تحقیقات حائز اهمیت و اعتبار میباشد. *نمانی و مطالعات فرنگی*

۱- L'Empire des Sassanides

۲- Le régime du roi Kawadhet le Communisme mazdakite

۳- Quelques notices sur les plus anciennes périodes du Zoroastrisme

۴- Etudes sur le zoroastrisme de la perse antiques

۵- La légende du sage Buzurjmihr

۶- A-t-il existé une religion zarwaniste?

۷- Les Kayanides

۸- L'Iran sous les Sassanides

۹- Oestes des rois dans la tradition de l'Iran antique

۱۰- Les types du premier homme et du premier roi dans l'histoire légendaire des iraniens. 2 vols.

از جمله تحقیقات کریستن سن در باب کتب دینی زردشتی و آئین ایرانیان قدیم چنانکه عرض کرده‌ام رساله کوچک ولی بسیار مهمی است که بعنوان «تحقیق در آئین زرتشتی ایران قدیم» بسال ۱۹۲۸ در کپنهاگ چاپ شد. این کتاب حاوی مطالعات دقیقی راجع به یشتها و تاریخ تدوین آنهاست. در این کتاب نفیس ثابت شده است که یشتهای ۱۰ و ۱۳ و ۱۹ در عهد پیش از هخامنشیان و یا اوایل عهد هخامنشیان مذکور گردیده و یشتهای ۵ و ۱۷ و ۸ و ۱۴ و ۱۵ و یسنای ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۵۷ در عهد هخامنشیان و احتمالاً در قرن چهارم پیش از میلاد و وندیداد در قرن دوم یعنی سال ۱۴۷ پیش از میلاد و یشتهای ۱۶ و ۹ در دوره اشکانی - یکی دیگر از وجوه اهمیت این کتاب بحثهای دقیقی است که در باب بعضی از اسامی خاص یشتهای استانهای مربوط باین نامها در آن شده است، مثلاً کریستن سن از بیستمین صحیفه این کتاب بعد پس از تحقیق و استقصاء کامل ثابت کرده است که موضوع تقسیم دنیا به سه قسمت بدست فریدون، و سپردن آنها به ایرج و سلم و تور، اگرچه ریشه آریائی و سکائی قدیم دارد اما واقماً در عهد اشکانی سرو صورت واقعی پذیرفت و در تاریخ داستانی ایران وارد شد.

در همین کتاب استاد فقید اطلاعات مبسوط و تازه‌ای راجع بآئین زرتشتی و رابطه آن بامذهب زروانی داده است.

کریستن سن بداستانهای ایران و تحقیق در باب آنها علاقه خاصی داشت و شاید بر اثر همین علاقه و عشق وافر بود که بترجمه شاهنامه استاد ابوالقاسم فردوسی بزبان دانمارکی پرداخت و باز بر اثر همین علاقه است که استاد بزرگ بنگارش مقالات و تألیف رسالات و کتبی در این باب همت گماشت که از آن میان کتاب: «نمونه‌های نخستین بشر و نخستین شاه در تاریخ داستانی ایران» و کتاب «کیانیدان» از همه مهمتر بنظر میآید. در کتاب نخستین بشر و نخستین شاه که مجلد اول آن بسال ۱۹۱۷ در استکهلم و مجلد دوم آن بسال ۱۹۳۴ در Lyde بچاپ رسید، آرتور کریستن سن کوشیده است تمام روایات و اساطیر کهن ایرانی را در باب نمونه‌های نخستین فرد

و نخستین خانواده‌های بشری و همچنین نخستین شاه که در داستانهای قدیم ایران وجود داشت نقل کند و مورد تحقیق و مطالعه قرار دهد.

مجلد اول این کتاب خاص تحقیق در باب گیومرث، مشیگ و مشیانگ، هوشنگ و نهمورث است. در این مجلد نخست از کتبه مرتن و گاو اولکدات و تمام مطالبی که راجع بآندو در اوستا و کتب معتبر پهلوی مانند بوندهشن کوچک و زات سپرم و داستان دینیک و مینوی خرد و دینکرت و ائو گمدنچا (۱) و گنج شایگان و اردای ویرافنامگ آمده است، آغاز کرده و سپس اساطیر اسکانیدیناوی و ایرانی را در این باب مقایسه نموده و تحولاتی را که این اساطیر در مذهب و آثار زرتشتیان پذیرفته است با توجه بداستان مشیگ و مشیانگ در کتاب خداینامگ و منابع اسلامی از کتب قدیم عربی گرفته تا آخرین کتب فارسی توجه نموده و آخرین تحولات این داستان را بر ما آشکار ساخته است.

در باب داستان هوشنگ پیشداد و طهمورث زیباوند که باختلاف روایات نخستین شاه داستانهای ایرانی شمرده میشوند نیز همین روش استقرائی بکار رفته و مجلد دوم این کتاب که وقف برداستان «بیم خششت» یعنی «جم شید» میباشد هم بر این سیاق نگارش یافته است.

این کتاب کریستن سن نخستین قسمتهای بسیار مبهم و تاریک از داستانهای ملی و حماسی ما را بهترین صورتی روشن و دور از ابهام کرده است.

کریستن سن در این کتاب تنها اوقات شریف خویش را بیافتن نخستین بشر و نخستین قبایل بشری و نیز نخستین شاه وقف کرد چون این کتاب را بدقت بخوانیم میتوانیم عقاید ایرانیان را راجع بخلفت و تکوین مدنیت بشر بخوبی دریابیم اما از نخستین سلسله داستانی ایران که در داستانهای متأخر پیشدادیان خوانده شده اند در این کتاب تنها از هوشنگ و طهمورث و جمشید که هر یک در داستانهای ایرانی نخستین شاه شمرده شده اند سخن رفته و مابقی سخنان استاد را در این باب باید در کتاب معروف دیگر او بنام «حماسه شاهان در داستانهای ایرانیان» یافت.

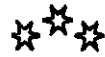


یکی دیگر از کتب مهم کریستن سن که بسیاری از حقایق مربوط بتاریخ  
داستانی ایران در آن آشکار میشود کتاب کیانیان است که بسال ۱۹۳۱ در کپنهاگ بچاپ  
رسید. در این کتاب استاد بزرگ نخست بابت استادانه مفصلی ثابت کرد که میان  
شاهان داستانی کیانیان و سلسله تاریخی هخامنشی ارتباطی وجود ندارد و تمام  
فروضهای دانشمندانی مانند هرتل و هرتسفلد را در این باب رد کرد و ثابت نمود که  
کیلیان عبارتند از یکدسته از امرای محلی مشرق ایران در عهد مقدم براوستا که  
آخرین آنها و یشتاسپ بازر دشت پیغامبر معاصر بوده است. مابقی کتاب وقف است بر بحث  
جامعی راجع بکلمه «کی» و هریک از سلاطین و امرائی که در اوستا و خاصه در اناهیت  
یشت و فروشی یشت بالقب کوی ذکر شده اند، با توجه بتمام ماخذ از اوستا گرفته  
تا آخرین کتب معتبر تاریخی عربی و فارسی. - در پایان این کتاب کریستن سن  
بحث فاضلانه ای راجع بخاندان کرشاسپ یعنی خاندان پهلوانی سیستان پیش گرفته  
و بسیاری از حقایق را با توجه بروش استادانه خود راجع بداستان این پهلوانان روشن  
کرده است و سپس در باب بهمن و جانشینان او و نفوذی که ازین پس از بقیه السیف  
اطلاعات ایرانیان راجع بسلسله هخامنشی در سلسله داستانی کیان مشهود میباشد  
سخن گفته است.

با این بحث مختصر که حقیر در باب چند اثر از کریستن سن کرده و فهرستی  
که از کارهای وی در این کتب داده است اهمیت زحمات این ایران شناس جلیل القدر  
تا درجه ای آشکار میشود اما باید دانست که چون استاد در انتخاب وجوه قراآت  
اسامی قدیم بیشتر بر سیرت «آندره آس» رفته، گاه از طریق صواب و بالا اقل از طریق  
که مقبول عموم میباشد دور شده است.

یکی از علل جامعیت کریستن سن و اهمیت کارهای او آنست که این دانشمند  
در تحقیقات خود بتمام و یا نزدیک بتمام آثار و نتایج تحقیقات خاورشناسان بزرگ  
اروپا توجه داشته و حتی از زبانهایی که اطلاع نداشت بوسیله مترجم استفاده کرده  
و همین کثرت مطالعه استاد علت وسعت کم نظیر اطلاعات و قدرت وی در تحصیل  
نتایج کلی علمی راجع بتاریخ و فرهنگ ایران قدیم شده است.

زندگی این استاد جلیل وقف بر ایرانیان و لهجات و فرهنگ و تاریخ ایران بود، در کلام او هیچگاه جز آثار احترام و بزرگداشت ایران نمی بینید و او بیشک ایرانی را چون يك وطن نازوی دوست میداشت و همین دوستی و علاقه او نسبت باین خاک عزیز، مارا بر آن میدارد که نخست از خدای بزرگ آمرزش روان او را مسئلت کنیم و سپس برای رضایت روح جاوید او دوام فرهنگ و تمدن ایران و بقاء جلال و افتخارات آنرا از یزدان نیکی دهش بخواهیم و بگوئیم: آمرزیده باد روان کریستن سن، جاوید باد ایران و فرهنگ ایران.



در خانۀ مجلس آقای فن استمان که در غیاب کاردار دانمارک عهده دار منافع دانمارک در ایران هستند شه ای از احساسات پاک و بی‌ریبای مرحوم کریستن سن را درباره ایران و ایرانیان که خود شاهد و ناظر آن بوده اند اظهار داشتند و از فرهنگستان ایران و از دوستان ایرانی مرحوم کریستن سن بنام دولت دانمارک و دانمارکیان مقیم ایران سیاستگری کردند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی